



سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای

سید کاظم سید باقری^۱

چکیده

رابطه نظارت و عدالت، رابطه ای تنگاتنگ و درهم پیوسته است؛ اصولاً در اندیشه اسلامی و دولت اسلامی همان گونه که همه امور جهت گیری عدالت دارد، نظارت نیز به عنوان جزئی از این مجموعه برای اطمینان از پویایی جامعه به سوی عدالت است. این نوشته در پی پاسخ به این پرسش است که سازکارهای نظارت عدالت محور به ویژه سازکارهای بیرونی بر دولت اسلامی چیست. در فرضیه ضمن تأکید بر بایستگی نظارت بر دولت اسلامی، بر این امر تأکید شده است که بر اساس منطق و ادبیات اندیشه سیاسی شیعه که اندیشه آیت الله خامنه ای علیه السلام نیز پای در آن دارد و با در نظر گرفتن تمهیداتی نظری مانند همراهی حق و تکلیف، ضمانت دولت اسلامی، حق پاسخ جویی شهروندان، مسئولیت دولت اسلامی در برابر خدا و مردم و عناصر بستر ساز نظارت درونی مانند عدالت، می توان سازکارهای نظارت بیرونی بر دولت اسلامی را در مواردی همچون قانون گرایی، مسئولیت همگانی، نظارت عدالت محور همگانی، نقد و نصیحت منصفانه و مشورت و رایزنی رصد و ردیابی کرد؛ اموری که در گام نهایی، مسیر جامعه و دولت اسلامی را به سوی حیات طيبة هموار می گرداند. این دشواره با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به متون اندیشه دینی، سامان یافته است.

واژگان کلیدی: نظارت عدالت محور، سازکارهای بیرونی نظارتی، دولت اسلامی، آیت الله خامنه ای، پاسخ جویی شهروندان، مسئولیت، نظارت همگانی

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



درآمد

در گستره زمان، یکی از پرسش‌های بنیادین در فلسفه سیاسی، سؤال از نظارت بر قدرت، چرایی و چگونگی آن و حرکت دولت در مسیر عدالت سیاسی-اجتماعی بوده است. در اندیشه اسلامی، نظارت‌پذیری ارکان دولت به هدف عدالت است، آن‌سان که همه امور حکومت اسلامی و جهت‌گیری‌های کلان آن باید در جهت عدالت باشد. نظارت برای آن است که کارگزار دولت اسلامی از جاده عدالت خارج نشود. این نوشته بر گرد همین دغدغه سامان یافته است. تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام برای آن است که ایشان در عرصه عمل و حکمرانی نظارت و عدالت تجربه‌ای طولانی دارد و ردیابی این مهم در اندیشه نظری و عملیاتی ایشان می‌تواند راهگشای این طریق باشد. بر اساس منطق و ادبیات اندیشه سیاسی شیعه و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام که پای در این اندیشه دارد و لحاظ اصولی مانند رابطه متقابل وظایف و حقوق مردم و دولت، ضمانت دولت اسلامی، حق پاسخ‌جویی شهروندان در مسیر عدالت، مسئولیت دولت اسلامی در برابر خدا و مردم و عناصر بسترساز نظارت مانند عدالت و عمل بر پایه احکام الهی و رابطه تکمیلی نظارت و پاسخ‌گویی، می‌توان سازکارهای نظارت بیرونی بر دولت اسلامی را در مواردی همچون قانون‌گرایی، مسئولیت همگانی، نظارت عدالت‌محور همگانی، نقد و نصیحت منصفانه و مشورت و رایزنی رصد کرد که همه می‌تواند به اجرای عدالت در جامعه اسلامی یاری رساند؛ اموری که در تجربه و گفتار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام نیز دارای جایگاهی برتر هستند. این دشواره با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به نصوص اندیشه اسلامی انجام شده است.

«نظارت فعالیت‌ی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجود‌ها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و نتیجه این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد» (دلآوری، ۱۳۸۱، ش ۱۹، ص ۷۳).



در تعریف حقوق اساسی با رویکردی اجرایی تر چنین آمده است که:

«نظارت، بررسی و ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آن‌ها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین با قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف اجرایی است» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۳۵۲).
به هر حال، در فرایند نظارت ارزیابی همیشگی برای تطبیق رفتار و عملکرد افراد با معیارهای هر نظام وجود دارد. در اندیشه اسلامی، از آنجا که نظارت باید سمت و سوی احقاق حق صاحبان حقوق را داشته باشد که جوهره عدالت است، این امر را می توان نظارت عدالت محور نامید. این نوع از نظارت تلاش می کند تا روند و فرایند اعمال قدرت را با مشاهده گری، مسئولیت و مسئولیت شناسی در جهت عدالت حرکت دهد. فلسفه نظارت، عدالت است.

۱. تمهید نظری

در ادامه به برخی از تمهیدات نظری که به نظارت عدالت محور می انجامد، اشاره خواهیم کرد:

۱-۱. همراهی حق و تکلیف

در فرایند اجرای قدرت مطلوب، تکالیف و وظایف شهروندان همراه با شناسایی حقوق آنان است. هر جا که امتیازی به صاحب حقی داده می شود، در برابر، تکلیفی نیز برعهده اوست. حال آنکه در حکومت استبدادی، حق هیچ جایگاهی ندارد و هرچه هست، تکلیف است. قانونی که در نظام اسلامی برقرار است، همه افراد ملت بدون هیچ تبعیض و استثنایی در حقوق و تکالیف مقرر در آن قانون برابرند و شخص حاکم نیز در زمره آنان است.

حقوق سیاسی-اجتماعی شهروندان به هنگام حاکمیت قدرت مطلوب به رسمیت شناخته می شود به گونه ای که کسی نمی تواند از آن‌ها بگذرد یا آن‌ها را انکار کند. اصولاً تکلیف وقتی معنا می یابد که در کنارش حقی نیز وجود داشته باشد. «درحقیقت، بُب اشکال تناقض، توهم آن است که حق نظارت مردم از حاکمیت



حاکمان سرچشمه می‌گیرد، درحالی‌که چنین نیست، بلکه مبدأ تشریعی الهی، به‌عنوان سرچشمه تمامی حقوق، در عرض یکدیگر، دو حق جعل کرده است؛ از یک سو حق حاکمیت را برای حاکمان به رسمیت شناخته و از سوی دیگر برای مردم حق نظارت بر اعمال آن‌ها را جعل و تأیید کرده است بدون اینکه به تناقض بینجامد. در نظام سیاسی اسلام، سخن از حقوق یک‌طرفه حاکمان نیست، بلکه مسیری دوطرفه طراحی شده است به‌عنوان حقوق 'متقابل دولت و ملت' (جعفرپیشه، ۱۳۸۳، ش ۳۳، ص ۳۸).

مطهری با اشاره به این جمله مشهور حضرت علی علیه السلام که می‌فرماید: «لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷)، می‌نویسد:

«حق به نفع هیچ‌کس جریان پیدا نمی‌کند، مگر اینکه علیه او هم جریان پیدا می‌کند؛ یعنی هر فردی بر دیگران حق دارد و متقابلاً دیگران هم بر او حقی دارند. شما احدی را پیدا نمی‌کنید که او بر دیگران حق داشته باشد، ولی دیگران بر او حق نداشته باشند همچنان که احدی را در دنیا پیدا نخواهید کرد که او فقط مسئولیت داشته باشد و حق برعهده او تعلق بگیرد، ولی او حقی بر دیگران نداشته باشد؛ یعنی حق، متقابل است و از اموری است که وقتی به نفع کسی جریان پیدا می‌کند، علیه او هم هست» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۲۴).

پس اگر حاکمان دارای حق اعمال قدرت هستند و اختیاراتی چند دارند، در قبال آن باید پاسخ‌گوی شهروندان باشند، زیرا به همان اندازه که حق دارند، تکلیف دارند و مسئولیت.

حضرت علی علیه السلام در ادامه همان خطبه به‌صراحت این نکته را بیان می‌کند که این حقوق متقابل را خداوند جعل کرده و آن را سامان‌بخش روابط قرار داده است: «حقی بر کسی واجب نمی‌شود، مگر حقی که در برابر آن است، گزارده شود. بزرگ‌ترین حق‌ها که خدای سبحان واجب کرده است حق والی بر رعیت است و حق رعیت بر والی» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

ایشان با آنکه حکومتی با مشروعیت الهی دارد، در خطبه‌ای دیگر تصریح می‌کند

که:



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه‌ای □

۱۱

«فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَلَكُمْ عَلَى مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷)

خدا برای من بر شما حقی قرار داده، به عنوان اینکه ولی امر شما هستم و حقی برای شما برعهده من قرار داده، مثل آن حقی که برای من قرار داده است. در اندیشه سیاسی اسلام و حقوق اساسی، تلازم اختیارات و مسئولیت‌ها امری قطعی است؛ فرد با اختیارات بیشتر مسئولیت بیشتر دارد و مسئولیت به همراه خود نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی به شهروندان را دارد که در پی خود عدالت می‌آورد.

۲-۱. ضمانت دولت اسلامی

با توجه به همین بحث است که بحث از «ضمان حاکم» و «حاکمیت مسئول» مطرح می‌شود که کارگزاران باید در برابر گفتار، رفتار و پیامدهای آن‌ها پاسخ‌گو باشند. با آنکه فقهای شیعه غالباً به مشروعیت الهی دولت اسلامی باور دارند، اما مسئولیت و ضرورت پاسخ‌گویی آن در برابر رفتارهایی که انجام می‌دهد، مسئله‌ای اجماعی در فقه سیاسی بوده و فقها همراه بر آن تأکید داشته و حتی بحث از ضمانت دولت و حاکم را طرح کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد:

«هنگامی که بر فردی با دو شاهد، اقامه حد شد و مُرد سپس روشن شد که آن دو شاهد بنده یا کافر یا فاسق بوده‌اند، حاکم ضامن است، زیرا برعهده اوست تا از حال شهود، جست‌وجو کند و اگر چنین نکرد، ضامن است» (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۴).

همچنین است:

«اگر قاضی یا حاکم به زننده تازیانه بگوید من شماره تازیانه‌ها را دارم، تو بزن من می‌شمرم، اما یک ضربه بیش از هشتاد ضربه بزند، او ضامن است» (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۶).

حتی جالب آن است که شیخ می‌نویسد:

«اگر نزد قاضی و حاکم، از زنی صحبت شود و رفتار خلاف او را گزارش دهند،



پس ایشان آن زن را احضار کند و او از ترس و وحشت، جنینی را که در شکم دارد، سقط کند، باز ضامن است» (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۶۴).

این موارد که گاهی تا حد یک تازیانه است، نمونه ای از حساسیت مسئولیت دولت اسلامی است. انبوه مسائلی که در فقه وجود دارد و نشان از مسئولیت اجتماعی دولت اسلامی، نظارت پذیری و تسری و شمول آن در دیگر مسائل دارد، می تواند مبنا و بزرگای باشد تا دولتمردان در برابر رفتارهایشان نزد مردم پاسخگو باشند.

۳-۱. حق پاسخ جویی شهروندان در مسیر عدالت

دولت اسلامی دغدغه اجرای احکام و دستورات دین دارد و آموزه هایی همچون امر به معروف، نهی از منکر، نصیحت و خیرخواهی حاکم اسلامی و مشورت از دستورات قطعی دین هستند که شاهدی استوار برای پاسخ جویی و نظارت شهروندان بر رفتار و گفتار کارگزاران دولت اسلامی است. این تجربه در سنت مسلمانان برای برخورد با حاکمان نیز وجود داشته است. مرحوم نائینی درباره پاسخ جویی مردم صدر اسلام اشاره دارد که:

«حتی خلیفه ثانی، با آن ابهت و هیبت، به واسطه یک پیراهن که از حله یمانیه بر تن پوشیده بود، چون قسمت آحاد مسلمین از آن حله ها بدان اندازه نبود، در فراز منبر، از آن، مسئول شد.» (نائینی، بی تا، ص ۱۶).

ایشان در ادامه یادآور می شود که:

«زمانی دیگر، در جواب کلمه امتحانیه که از او صادر شده بود، «لُنْقَوْمَنَّک بالسیف» (با شمشیر تو را راست و مستقیم خواهیم ساخت) استماع کرد» (همان).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز به این مسئله اشاره دارد که:

«برنامه اسلام همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم ... می گویند عمر گفت که من اگر چنانچه خلاف کردم، به من بگویید. یک عربی، شمشیرش را کشید و گفت: 'اگر تو بخواهی خلاف بکنی، ما با این شمشیر مقابلت می ایستیم' (متقی هندی، بی تا، ج ۱۲، ص ۵۶۲). اگر کسی برخلاف اسلام باشد، هر فردی باشد،



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه‌ای □

۱۳

یک آدمی باشد که مثلاً رأس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر عمل می‌کند، هریک از افراد موظف‌اند که به او بگویند که 'این خلاف است' و جلوی او را بگیرند» (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

در همین موضوع، امام خمینی رحمته الله علیه باور داشت که:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است» (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۰۹).

و رهبری انقلاب نیز به صراحت می‌گوید که:

«من نظارت را دوست می‌دارم و از گریز از نظارت اگر در کسی و در جایی باشد به شدت گله‌مندم. بر خود من هم هرچه بیشتر نظارت کنند، خوشحال‌ترم؛ یعنی هیچ احساس نمی‌کنم که نظارت برای من سنگینی‌ای داشته باشد؛ بنابراین، خرسندم که این نظارت انجام گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

۴-۱. مسئولیت دولت اسلامی در برابر خدا و مردم

بر اساس آموزه‌های شریعت، همه افراد حتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در برابر خداوند مسئول و مکلف است و نمی‌تواند به دل‌خواه عمل کند و هرچه خواست به مردم دیکته کند. با وجود عصمت و مصونیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از گناه و سرپیچی امر خداوند، اما باز به ایشان هشدار داده می‌شود که نباید مطلبی خلاف حکم خداوند بیان کند. او نیز رها و بدون نظارت نیست. او و به‌طور کلی حاکم اسلامی، مجری قانون است و از خودش هیچ اراده‌ای ندارد؛ لذا، در قرآن کریم آمده است که:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه، ۴۴)

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله سخنی را به دروغ بر ما بیندد و قانونی را که ما وضع نکرده‌ایم، بگوید این قانون خداست، ما به سختی با او برخورد می‌کنیم.

با توجه به همین نکته است که امام رحمته الله علیه باور داشت که:

«قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت تام دارد.



همه افراد تا ابد تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده است» (خمینی، بی تا، ج ۵، ص ۴۵).

«از نظر فلسفه اجتماعی، نه تنها نتیجه اعتقاد به خدا پذیرش حکومت مطلقه افراد نیست و حاکم در مقابل مردم مسئولیت دارد، بلکه از نظر این فلسفه، تنها اعتقاد به خداست که حاکم را در مقابل اجتماع مسئول می سازد و افراد را ذی حق می کند و استیفای حقوق را يك وظیفه لازم شرعی معرفی می کند» (مطهری، بی تا، ج ۱، صص ۱۵۸-۱۵۹).

با همین مبنای نظری است که:

«دین از مسئولیت انفکاک پذیر نیست. انسان متدین واقعی خواه ناخواه احساس مسئولیت می کند؛ برای خود، محیط، خانواده و اجتماع. بی تفاوتی با دین داری سازگار نیست. دین منهای مسئولیت، دین منهای دین است. فلسفه هایی که خواسته اند مسئولیت منهای دین بسازند همه شکست خورده اند. مسئولیت، خود يك مقیاس است برای دین شناسی و برای استقامت و انحراف تعلیماتی که به نام دین داده می شود. دین، منهای مسئولیت ناممکن است، زیرا دین جز يك سلسله تکلیف های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، عبادی نیست. دین دار هستیم برای اینکه به مسئولیت های خود، در حقیقت به انسانیت خود، واقف باشیم، زیرا همچنان که گفتیم مسئولیت مقوم انسانیت است. انسان به آن اندازه دین دار است که به مسئولیت های خود واقف و آگاه باشد و از عهده آن ها به خوبی برآید» (مطهری، بی تا، ج ۷، ص ۸۲).

در ادامه این نوشتار، به ابعاد نظارت عدالت محور و رابطه تکمیلی نظارت و پاسخ گویی پرداخته می شود.

۵-۱. عناصر بستر ساز نظارت عادلانه

با در نظر گرفتن ادبیات و روح حاکم بر اندیشه و نظام سیاسی اسلام و پافشاری بر اینکه عمل حاکمان باید مطابق دستور الهی باشد و پاسخ گوی عملکرد خویش در برابر خدا و مردم، علاوه بر موارد نظارت بیرونی که در ادامه بیان می شود، به طور



شفاف تر می توان به دو بستر و پیش زمینه برای نظارت عدالت محور درونی اشاره کرد: اول، بایستگی «عمل بر اساس آموزه های شریعت» و دوم، «نظارت درونی». نظارت برای عدم خروج از معیارهاست و در نظام سیاسی برای فرونغلتیدن دولت اسلامی به استبداد. در اندیشه سیاسی اسلام، نوعی مهار درونی وجود دارد که فرد را از این آفت دور نگه می دارد. در این عنصر، بر اصل عدالت، تقوی و دانش رهبر و ولی فقیه تأکید می شود. به تعبیر امام خمینی رحمه الله:

«یرجع أمر الولاية إلى الفقيه العادل وهو الذي يصلح لولاية المسلمين إذ يجب أن يكون الوالي متصفاً بالفقه و العدل

امر ولایت فقیه به فقیه عادل بازمی گردد و او کسی است که برای سرپرستی مسلمانان شایستگی دارد، زیرا حاکم باید به وصف فقه و عدالت متصف باشد» (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۲۴).

دولتمردی که ملتزم به ویژگی علم و عدالت باشد به آسانی گرفتار استبداد نمی شود، هرچند که این امر به معنای عدم ضرورت نظارت بیرونی نیست. یکی دیگر از بسترهای عمده نظارت، عمل دولت اسلامی بر اساس آموزه های شریعت است، هرچند که روح قانون اساسی و بخش هایی از آن برگرفته از شریعت است، اما عدم باور عمیق و عمل نکردن به دستورات شریعت و آموزه های اخلاقی آن می تواند آغازی بزرگ برای انحراف و گریز از نظارت باشد. واقعیت آن است که احکام و دستورات دین خود عاملی تأثیرگذار در پشت سر گذاشتن گردهای خودرایی و خودکامگی است؛ وضعیتی که اگر حاکم یا کارگزاری گرفتار آن شود، هرگونه نظارتی را انکار می کند.

۲. رابطه تکمیلی نظارت، پاسخ گویی و عدالت

یکی از دغدغه های اندیشوران سیاسی، وجود سازکارهای دقیق نظارتی بر فرایند قدرت بوده است. فیلسوفان سیاسی بر این امر تأکید داشته اند که برای جلوگیری از فساد قدرت باید عملکرد حاکمان بررسی و نظارت شود. برخی اهمیت مسئله



را چنین نشان داده‌اند که جایی که قدرت در دست چند نفر متمرکز شود غالباً مردانی با ذهنیت و رویکرد تبه‌کاری مهار قدرت را به دست می‌گیرند. تاریخ ثابت کرده است که: «قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق» (Dalberg see: Acton, John Emerich Edward: "Essays on Freedom and Power" p. 364. Or see: The New Dictionary of Cultural Literacy, p. 275)، هرچند که این نکته حکایتگر قانونی کلی و همیشگی نیست و نمونه آن قدرت فراگیر انبیای الهی و پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که به فساد نیز نینجامید، اما منظور آن است که قدرت زمینه وقوع فساد را در میان انسان‌های غیرمعصوم به وجود می‌آورد و با توجه به تجربه بشری بوده است که همواره در کنار اختیاراتی که به رهبران و فرمانروایان سیاسی داده می‌شده، نظارتی نظام‌مند و نهادینه نیز بر عملکرد آنان بایسته تلقی شده است. در نصوص اسلامی با نگرشی واقع‌بینانه، این امر پذیرفته شده است و انکار نمی‌شود که هر آینه ممکن است کار فرمانروایان به استبداد و خودرایی انجامد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰). مقام معظم رهبری علیه السلام بر این باور است که با توجه به این مهم:

«هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست، چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری؛ بنابراین، همه باید نظارت شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

ایشان سپس به این امر اشاره می‌کند که:

«نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند لازم است؛ چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای اینکه امانت به خرج دهند و سوءاستفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، نظارت کاری لازم و واجب است و باید هم باشد» (همان).

بنابراین، با در نظر گرفتن ادبیات و روح حاکم بر اندیشه و نظام سیاسی اسلام و پافشاری بر اینکه عمل حاکمان باید مطابق دستور الهی باشد و پاسخ‌گوی عملکرد



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۱۷

خویش در برابر خدا و مردم و اینکه مردم حق انتقاد و اعتراض بر فرایند امور را دارند و آموزه‌هایی همچون امر به معروف، نهی از منکر، مشورت، مسئولیت همگانی و نصیحت ائمه مسلمین، می‌توان دریافت که میان نظارت و مسئولیت رابطه‌ای تکاملی است و کارگزار باید پاسخ‌گو باشد پس باید نظارت‌پذیر نیز باشد و آن‌گاه که نظارت را می‌پذیرد طبعاً هماهنگ با پاسخ‌گویی و مسئولیت‌شناسی وی است که در ادامه به برخی از مسائل آن اشاره خواهد شد.

۳. سازکارهای نظارت بیرونی بر دولت اسلامی

علاوه بر عناصر بستر ساز نظارت که به آن‌ها اشاره شد، تأکید این نوشته بر نظارت بیرونی است. از آنجا که تشخیص این امر به‌ویژه در امر عدالت و پرهیزکاری چندان آسان و آشکار نیست، نظارتی بیرونی لازم است که در ادامه به برخی از زوایای آن می‌پردازیم.

۳-۱. قانون‌گرایی

معیارها و سنجه‌های کلیدی برای پذیرش نظارت بر عملکرد حاکمان آن است که رفتار و گفتار آنان بر اساس قانون قابل ارزیابی باشد. عمل نکردن بر اساس قانون، آغازین گام در نظارت ناپذیری و گرایش به استبداد و خروج از مسیر عدالت است. مقام معظم رهبری علیه السلام بر این باور است که:

«قانون، یکی از ابزار نظارت است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۷).

نظارتی که به عدالت می‌انجامد. امام خمینی رحمته الله علیه تأکید دارد که:

«انّ الحكومة الإسلامية بما كانت حكومة قانونية لا بدّ فی الوالی من صفتین، هما اساس الحكومة القانونية ولا یعقل تحقّقها الا بهما. احدهما العلم بالقانون و ثانيهما العدالة»

حکومت اسلامی، حکومتی قانونی است پس رهبر باید دو شرط علم به قانون و عدالت را داشته باشد و این دو بنیاد حکومت قانونی است» (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳).



از همین زاویه است که در این اندیشه به صراحت آمده است که:
 «در اسلام، قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم که تابع قانون الهی بود، نمی‌توانست تخلف بکند» (خمینی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۱۰).
 مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در مواردی مختلف اشاره کرده است که باید بر طبق قانون عمل کرد:

«مسئولان قوه مجریه، نمایندگان مجلس، مسئولان قوه قضاییه، با اختیارات کامل و قانونی، وظایف خود را انجام می‌دهند و ممکن است تصمیماتی بگیرند که رهبری با آن مخالف باشد؛ اما رهبری نه حق دارد، نه می‌تواند و نه قادر است که در این مسائل دخالت کند، مگر در جایی که اتخاذ سیاستی، به کج شدن راه انقلاب منجر می‌شود که طبعاً در این هنگام به مسئولیت‌های خود عمل خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

مقام معظم رهبری علیه السلام به صراحت بیان می‌کند که:
 «بعضی‌ها خیال می‌کنند که این «ولایت مطلقه فقیه» که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق‌العنان است و هر کار که دلش بخواهد می‌تواند بکند. معنای ولایت مطلقه این نیست. رهبری بایستی موبه‌موقوانین را اجرا کند و به آن‌ها احترام بگذارد؛ منتها در مواردی اگر مسئولان و دست‌اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است موبه‌مومعمل کنند، دچار مشکل می‌شوند. قانون بشری همین‌طور است. قانون اساسی راه چاره‌یی را باز کرده و گفته آن جایی که مسئولان دچار مضیقه می‌شوند، رهبری مرجع است ... این معنای ولایت مطلقه است و الا رهبر، رئیس‌جمهور، وزرا و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیم‌اند و باید تسلیم باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

ایشان همچنین بیان می‌دارد که حتی در مواردی که شاید با قانون و اقدامی موافق نباشد و به آن‌ها اعتقادی نداشته باشد، اما اگر آن موارد تبدیل به قانون شدند، آن‌ها را می‌پذیرد و عمل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

مقام معظم رهبری علیه السلام با اشاره به شأن نظارتی مجلس تأکید دارد که:
 «انسان باید تحت نظارت باشد؛ هم نظارت وجدان خود، هم نظارت مراقبین



قانونی خود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲).

پس یکی از بهترین سازکارهایی که روند نظارت عدالت محور را آسان می‌سازد، عمل بر اساس قانون است؛ زیرا قانون معیاری است که می‌توان همه امور را سامان داد و بر فرایند آن‌ها نظارت انجام داد. این روند بهترین بستر و زمینه برای نظارت بر عملکرد حاکم مسلمان و ضرورت پاسخ‌گویی او به شمار می‌آید.

۲-۳. مسئولیت همگانی در جهت عدالت

مراد از مسئولیت همگانی، تعهد و پاسخ‌گوبودن مردم در برابر اموری است که پیرامون آنان می‌گذرد. این احساس، هم افراد را به قدرت حساس می‌کند و هم قدرت حاکم درمی‌یابد که با چشمانی تیزبین و دقیق، زیر ذره‌بین است و هر آن امکان دارد که در مقابل رفتارها و کردارهای نادرست او انتقاد و اعتراض شود. در اندیشه قرآنی و دینی، همه افراد در برابر جامعه خود مسئول و پاسخ‌گویند: «کَلِّمُوا رَاعٍ وَكَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ» (متقی هندی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۵۶۲؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۷۵، ص ۳۸). به بیان آیت الله خامنه‌ای علیه السلام:

«امربه معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف و نیکی را گسترش بدهید. نهی ازمنکر یعنی زشتی، بدی و پلشتی را نهی کنید، جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این امر، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئول‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۶).

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، جامعه مسئول و شایسته جامعه‌ای است که از کنار حوادث و رویدادهایی که رخ می‌دهد بی‌خیال نمی‌گذرد. گاهی اوقات افراد می‌توانند با به‌دست‌گرفتن زمام قدرت چاره‌ای اساسی برای مهار قدرت فاسد و تکاپو برای رسیدن به جامعه مطلوب بیندیشند و گاه این مسئله ممکن نیست؛ اما عدم امکان این امر به معنای سکوت، هم‌رنگی با ناهنجارها و ضدارزش‌های قدرت فاسد نیست، بلکه فردی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کند، باز مسئول است و باید در حد توان خویش بکوشد. باری تأکید بسیار قرآن کریم بر مسئولیت



همگانی دست کم ما را به این نکته رهنمون می سازد که جامعه در برابر رفتارها و تصمیمات ناشایست کارگزاران نباید ساکت بنشیند. این پاسخ گویی در برابر آنچه در جامعه می گذرد، در برابر همه امور حساس، دقیق، نکته سنج و نقاد می سازد و این حساسیت البته در برابر قدرت سیاسی که اولین و تأثیرگذارترین بخش زندگی انسان را دربر می گیرد، بیش از هر امر دیگر شامل می شود. این احساس مسئولیت که در رگ های جامعه جریان می یابد، یکی از بزرگ ترین سازکارهای پیش بینی شده برای نظارت بر قدرت است. در غیر این صورت، جامعه گرفتار ستم همگانی می شود. قرآن کریم در این باره تعبیر ویژه «قریه ظالمه» به معنای شهر ستم پیشه را به کار می برد:

«وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً» (انبیاء، ۱۱)

و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند درهم شکستیم.

«روشن است که منظور از «اهل» شهر و آبادی است و نه خود شهرها که موضوعیتی ندارند. با توجه به آنکه این شهرها گرفتار ظلم فراگیر شدند پس خداوند قدرت آن ها را فرو شکست و آن ها را هلاک کرد، زیرا آنان با کفر و گمراهی به خود ستم کردند و با سرکشی و دشمنی به دیگران نیز ناعدالتی کردند» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۱۹۶).

خداوند در قرآن کریم، انسان را دارای اختیار و مسئول معرفی می کند؛ پس، فردی که آموزه های ظلم ستیز در وجودش نهادینه شود، نمی تواند در مقابل قدرت سیاسی حاکم که همه رفتارها و هنجارهای جامعه را رنگ و جهت می دهد ساکت و خاموش باشد و قدرتمندان هرگونه که می خواهند عمل کنند. در قرآن کریم تأکید شده است که:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶)

به راستی، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم تا بگوید خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید.

خداوند دستور می دهد که مردم در برابر طاغوت ها که مظهر قدرت فاسدند،



بایستند. امر به رویارویی با طاغوت خطاب به «امت» است که همه افراد جامعه را دربر می گیرد؛ پس، وظیفه و مسئولیت همگانی است که در برابر خداوند، کرنش کنند و از پیروی طاغوت، دوری. جلوه های این مسئولیت در گام اول هنگامی است که انسان در عرصه سیاست و اجتماع با قدرت روبه رو می شود. این احساس و روحیه اگر در میان همه شهروندان فراگیر شود و از کنار آنچه در جامعه شان می گذرد بی خیال نگذرند، نظارتی تمام عیار بر حاکمان و کارگزاران اسلامی فراهم می شود. تزریق این روحیه در جامعه به فراگیری عدالت سیاسی- اجتماعی در جامعه یاری می دهد.

یکی از جلوه های اساسی این آموزه، در امر به معروف و نهی از منکر رخ می نماید که به عنصری نظارتی و کارا در نظام اسلامی تبدیل می شود و با توجه به اهمیت آن در بند بعد به آن خواهیم پرداخت.

۳-۳. نظارت عدالت محور همگانی: امر به معروف و نهی از منکر

یکی از آموزه های قرآنی که به آن سفارش بسیار شده است، امر به معروف و نهی از منکر است که در کنار مسئولیت همگانی، برای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی، نقشی اساسی دارد و یکی از جلوه های مسئولیت همگانی به شمار می آید. «یک وظیفه عمومی است ... باید مردم امر کنند به معروف؛ مسئولیت مردم را نشان می دهد» (خامنه ای، ۱۴۰۰/۳/۱۴).

این نظارت برخاسته از احساس مسئولیت شهروندان در جامعه اسلامی است؛ احساسی که برای به دست آوردن عدالت طراحی شده است و نه صرف کسب قدرت و منافع مادی. در قرآن کریم، خاموش نشستن عالمان در مقابل فساد قدرتمندان و ظالمان از علل نابودی اقوام پیشین ذکر شده و دانشمندان گوشه گیر مورد نکوهش قرار گرفته اند که چرا صاحب قدرت نبودند تا از فساد جلوگیری کنند و جامعه را به سوی مسیر مطلوب به حرکت درآورند. خداوند با لحنی همراه با توبیخ و سرزنش می فرماید:



«فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود، ۱۱۶)

پس چرا در نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که مردم را از فساد در زمین بازدارند؟ جز اندکی از کسانی که نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند.

باری، همه این کلمات که در مصادر حدیثی مانند آن‌ها فراوان یافت می‌شود، حکایت از اهمیت این مسئله دارد و اینکه اگر این آموزه در هر سطح ممکن انجام نشود، مورد نکوهش و سرزنش از سوی خداوند قرار می‌گیرند.

در کلامی، پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«تا زمانی که امت من امر به معروف و نیکی می‌کنند و دیگران را از منکر بازمی‌دارند و بر نیکی و تقوا یار یکدیگرند، در سلامتی خواهند بود؛ اما اگر آن را رها کنند، برکت‌ها از آنان رخت خواهد بست، گروهی بر گروهی چیره خواهند شد و در زمین و آسمان، یآوری نخواهند داشت» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۱۲۳).

و حضرت علی علیه السلام آن را برتر همه اعمال نیک و جهاد می‌داند و می‌فرماید: «تمام اعمال نیک و جهاد در راه خدا در نزد امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهانی است در دریای پهناور» (سیدرضی، ۱۳۸۴، حکمت ۳۶۶).

در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است که:

«بر دیده فرد مؤمن روانیست که به گناه و معصیت خداوند بنگرد و ساکت بنشیند، مگر آنکه آن را تغییر دهد و اصلاح کند» (بروجردی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۸، ص ۲۳۰).

کارکرد این آموزه قرآنی در نظارت عادلانه بر دولت اسلامی با پذیرش و نهادینگی آن در جامعه عملیاتی می‌شود. این وظیفه، ویژه فرد خاصی نیست. همه آنانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند باید این دستور دینی را در جهت دستیابی به عدالت رعایت کنند، دیگران و اطرافیان خود را به خیر و نیکی دعوت کنند و جلوی ستم و کار ناپسند را بگیرند. فرمانبر باشند یا فرماندار. همه امت اسلامی به این فریضه تحریش می‌شوند؛ لذا، در کلام خداوند آمده است:



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۲۳

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران،

(۱۱۰)

شما نیکوترین امتی هستید که برای مردم قیام کردند، آنان که برای (اصلاح بشر) مردم را به نیکوکاری امر کنند و از کارهای زشت بازدارند.
علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران اشاره دارد که:

«این اصل ساده، بهترین و قوی ترین نیروی نظارتی و بازرسی در جامعه است. نقش نظارتی این آموزه به سان شالوده ای است که پایه های استوار جامعه بر آن بنا شده است و موجب همگرایی و هماهنگی اجزا و اعضای جامعه می گردد. اگر امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت اجتماعی هستند همچون موریانه از درون ریشه های اجتماع را می خورند و آن را از هم فرومی پاشند؛ بنابراین، حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۱).

آن سان که این وحدت و نظارت، بستر سازی رسیدن به عدالت است. به بیان آیت الله خامنه ای علیه السلام:

«امر به معروف و نهی از منکر، ضامن بقا و دوام اسلام است؛ یعنی اگر این واجب نباشد و بدان عمل نشود، آن روح صحیح اسلامی در جامعه باقی نخواهند ماند و از بین خواهد رفت» (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۴۷۱).

این دستور به مسلمانان می آموزد که به جامعه خویش و فرایند قدرت در جامعه و رفتار و گفتار کارگزاران نظام اسلامی حساس باشند. انسان مدنی الطبع در جامعه تحت تأثیر اندیشه ها، اخلاق و رفتار دیگران قرار دارد و عقل حکم می کند که برای رسیدن به آرامش و حفظ کیان جامعه از فساد و تباهی در برابر قدرت طلبی ها، انحصار طلبی ها و بهره برداری نادرست از قدرت موضع گیری کند.

از سویی دیگر، ممکن است که در دولت اسلامی مدیران و رهبران از قدرت خویش سودجویی و منفعت طلبی شخصی نکنند، اما در مراتب پایین تر، افراد حقوق دیگران را پایمال کنند و در حق شهروندان ستم روا دارند. ارکان دولت اسلامی



برای اطلاع‌رسانی دقیق و بدون غرض نیاز دارند تا از لایه‌های زیرین جامعه آگاه گردند و این امر ممکن نخواهد شد، مگر آنکه ناظرانی دقیق در فرایندی آگاهانه، منتقدانه، منصفانه و شجاعانه، برنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و قوانین را نقد کنند و از این طریق مسئولان را از بخشی از امور آگاه سازند، آنان را از سوءاستفاده‌ها بازدارند و به نیکی ترغیب کنند. به فرموده قرآن:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

(توبه، ۷۱)

مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره بر این باور است که:

نظارت بر زیرمجموعه هم خیلی مهم است. من اصرار و تأکید دارم که شما مسئولان بالا و مدیران ارشد مسئله نظارت بر زیرمجموعه خودتان را بسیار اهمیت بدهید. چشم‌های بینا و بصیر و باز شماست که وقتی در دایره مسئولیتان می‌چرخد، می‌تواند صحت کار و پیشرفت کار را تضمین کند. اگر چنانچه شما غفلت کردید، ممکن است در همان بخشی که غفلت کرده‌اید نابسامانی انجام بگیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲).

لازمه اجرایی کردن این فرمان، به رسمیت شناختن نظارت عدالت‌محور، همکاری آگاهانه و آزادانه مردم است. معنا ندارد که به کسی امر شود که در برابر جامعه خود مسئول باشد و مسائل را دریابد، اما هیچ نگوید و ساکت باشد؛ به بیان دیگر، این تکلیف عملیاتی نمی‌شود، مگر زمانی که شهروندان با خاطری آسوده، حق نظارت، انتقاد، پرسش‌گری و آزادی بیان داشته باشند و البته همه همت خویش را صرف عدالت کنند. اگر حق اعتراض به ناروایی‌ها و زشتی‌ها وجود نداشته باشد، شهروندان چگونه مکلف به نهی از منکرات و پلیدی‌ها می‌شوند؟ فراخوانی قدرتمندان به نیکی‌ها و بازداري آنان از فساد از آن جهت دارای اهمیتی دوچندان است که سرچشمه بسیاری از خیرات یا مفسد اجتماعی از قدرت سیاسی است



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۲۵

و این امر به تأکید در قرآن کریم و کلام اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است و دولت اسلامی نمی تواند در برابر یکی از احکام قطعی دین ایستادگی کند، بلکه حتی باید برای اجرایی کردن آن اقدام و عمل کند. عملی شدن این آموزه به معنی نظارت چشمان تیزبین شهروندان جامعه اسلامی بر همه ساحت های جامعه اسلامی و رصد عدالت در همه امور است.

۳-۴. نقد و نصیحت منصفانه

یکی از سازکارهای عمده برای نظارت بر کارگزاران نظام اسلامی، حضور نقد سازنده در جامعه است. در فرایند نقد آزادانه، مردم می توانند به وضعیتی که در آن می زیند اعتراض کنند و خواهان اصلاح آن گردند. نصیحت، گفتار یا کرداری است که نصیحت کننده صلاح و خوبی فرد مقابل را در نظر دارد و بیشتر بر گفتارهایی سودبخش که نجات دهنده از ضرر و زیان است به کار می رود. پذیرش نقد به معنی پذیرش نظارت بر رفتار دولت اسلامی است.

«هرچه که نظارت بشود، هرچه که اظهار نظر بشود، حتی انتقاد منصفانه، باید مورد استقبال قرار بگیرد» (خامنه ای، ۱۳۸۴/۴/۷).

اگر شهروندان به فعالیت ها و تصمیمات حاکمان و قدرتمندان اعتراضی نکنند و آنان را از سیاست گذاری های ناپسند و غیرعادلانه نهی نکنند و نصیحت خیرخواهانه خود را به گوش کارگزاران حکومت نرسانند، مدیران کشور خیالی آسوده می یابند و دغدغه پاسخ گویی به جامعه و مردم را نخواهند داشت و تکاپویی برای حرکت قدرت در جهت عدالت اجتماعی و ارزش های انسانی را به انجام نمی رسانند. در لغت «نصح»، نوعی خالص سازی و ناب کردن اشیاء وجود دارد (ابن منظور، ۱۹۸۸ق، ج ۲، ص ۶۱۶) و به تعبیر مفردات، «نصح» یعنی انجام و گزینش کار یا گفتاری که صلاح طرف مقابل در آن باشد (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۸۰۸).

«النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُؤْمِنِينَ؛ یعنی سخن خیرخواهانه که حالا گاهی این سخن، ممکن است درشت و تند و تیز هم باشد» (خامنه ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).



با توجه به معنای خلوص و ناب بودن که در این واژه وجود دارد، در قرآن کریم پیامبران الهی خیرخواه و ناصح معرفی می‌شوند و کار آنان نصیحت. در کلام صالح پیامبر آمده است که:

«فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ» (اعراف، ۷۹)

ای قوم من! به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم، ولی شما خیرخواهان [و نصیحت‌گران] را دوست نمی‌دارید.

همچنین حضرت هود نیز «ناصحی امین» معرفی می‌شود:

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف، ۶۸)

پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

در برخی از کتاب‌های روایی بابی به نام نصیحت وجود دارد؛ برای نمونه، در اصول الکافی چنین آمده است: «بَابُ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بِالنَّصِيحَةِ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ...» در کتب مهم روایی دیگر نیز این ابواب وجود دارد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۹؛ مجلسی، ۳۹۲ق، ج ۲۷، باب ۳، ص ۶۷). به روایت امام صادق علیه السلام، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مسجد خیف خطاب به مردم فرمود سه ویژگی است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت نکند: «خالص کردن عمل برای خدا، خیرخواهی و نصیحت پیشوایان مسلمین و همراهی با جماعت» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۰۳).

در سخنی دیگر امام باقر علیه السلام از جد بزرگوارش روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خدای متعال به سوی دوستش که جان خود را در فرمانبرداری و خیرخواهی امام و رهبرش به زحمت افکند نظر نکند، مگر آنکه در ردیف رفیق اعلی همراه ما باشد» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۰۴).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام با اشاره به باب «النصیحة لأئمة المسلمين»، خطاب به دانشجویان می‌فرماید:



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۲۷

«شما تا آن جایی که می توانید، نصیحت کنید» (خامنه ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

در اندیشه برآمده از قرآن، قدرتمندان در هاله ای از تقدس قرار ندارند که دست نقد کسی به آنان نرسد و اعمال و رفتار آنان قابل نقد نباشد:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده دهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است» (خمینی، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۴۱۰)

آیت الله خامنه ای علیه السلام با اشاره به آیه «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۳) تأکید دارد که:

«مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آن ها، بگویند برای آن ها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است» (خامنه ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰).

کارگزاران نظام اسلامی باید از خوی استبدادی دور باشند و شنیدن سخن حق بر او سنگین نیاید و کلام حضرت علی علیه السلام را راهبر خویش قرار دهند که:

«بر من گمان مبرید که اگر حرف حقی بگویند، پذیرفتنش بر من سنگین است و گمان نکنید که من می خواهم که بزرگم شمارید. چه آن کسی که شنیدن سخن حق و یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید. اجرای حق و عدل بر وی سنگین تر می نماید، پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

این چنین نگرشی، قدرتی نقدپذیر به وجود می آورد و مانع فساد قدرت می گردد و جالب آنکه حضرت علی علیه السلام مسیر نظارت، نقد و رایزنی را به سوی حق و عدالت تعیین می کند. رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر این نکته تأکید دارد که:

«مشورت، حق مردم است. ایشان می گوید در صدر اسلام حکومت پیغمبر و تا مدتی بعد از رحلت پیغمبر، حکومت جامعه اسلامی، مردمی بود. در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام مردم در صحنه حکومت به معنای واقعی دخالت داشتند،



نظر می‌دادند، رأی می‌دادند، تصمیم می‌گرفتند و حق مشورت که قرآن پیغمبر را به آن امر کرده است، متعلق به مردم بود که «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹)، مردم حق دارند که با آن‌ها مشورت بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۲/۵/۱۴).

۳-۵. مشورت و رایزنی

یکی از عناصری که به فراگیری نظارت عدالت‌محور در جامعه یاری می‌دهد و از جلوه‌های مشارکت مردمی در امور حکومت برای نظارت بر امور حکومت اسلامی است، مشورت با شهروندان است. به بیان آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام:

«برای هدایت و صلاح انسان‌ها، در کنار احکام و اراده الهی، اراده و حضور انسان و آحاد مردم، در همه کارها پیش‌بینی شده است که یک نمونه آن مسئله شورا است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۴).

شورا، مفهوم و آموزه‌ای قرآنی است و واژه مقابل آن استبداد است. در نظام استبدادی:

«شخص در کاری که شایسته مشورت است، بر رأی خویش بسنده می‌کند؛ استبداد، صفت حکمرانی است. مطلق‌العنان که در امور رعیت چنان‌که خود خواهد تصرف نماید، بدون ترس و بیم از حساب و عقابی محقق» (کواکبی، ۱۳۶۲، ص ۴۳).

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام نیز موضوع مشورت را «نقطه مقابل نظام‌های ارتجاعی و استبدادی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۱۰) می‌داند. طلب مشورت از شهروندان به معنای آن است که حاکم، مطلق نیست. رأی و نظر او باید در پیش دیدگان تیزبین مردم و کارشناسان قرار گیرد و نقد شود. بر پایه این اصل قرآنی، دولتمردان تکلیف دارند که در تمامی سیاست‌گذاری‌ها، با مردم و نهادهای مشورتی برگزیده، مشورت کنند. مخاطب «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹)، شخص پیامبر به عنوان زعیم سیاسی امت است. ایشان با این عنوان دستور دارد تا پیوسته با مردم به مشورت نشیند و در عرصه‌های سیاست‌گذاری با آنان مشورت کند. این دستور مخصوص شخص وی نیست، بلکه عنوان زعامت سیاسی او مورد خطاب است؛ لذا، فراگیر خواهد بود.



هرکه در هر مقامی مسئولیت سیاست گذاری کشور را برعهده داشته باشد، مشمول این خطاب خواهد بود. مرجع ضمیر جمع «و شاورهم» مردم اند که باید طرف مشورت قرار گیرند. مقصود از «امر»، به قرینه سیاق آیه، سیاست گذاری های مربوط به امور مردم است. آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) نیز همین مطلب را می رساند، زیرا «امر» مضاف به «هم»، همان سیاست کلی و امور همگانی است؛ مضافاً آنکه این آیه به صورت «اخباری» ذکر شده و در علم اصول فقه، جمله اخباری حتمیت و تأکید بیشتری به «جمله امری» می رساند (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۵، صص ۱۹۹-۱۹۴).

علامه طباطبایی نیز اشاره دارد که:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ امر در «شاورهم»، اختصاصی به این مورد خاص ندارد و اشاره به آن دارد که این امور در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه می باشد که مشورت پذیرند. هرچند که حیطه حدود شرعی را شامل نمی شود» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۹).

سید قطب با اشاره به آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره شوری می گوید:

«این آیات برخی از ویژگی های جماعت مسلمین را نام می برد. با آنکه این آیات مکی می باشند و قبل از تشکیل دولت اسلامی در مدینه می باشد، می بینیم که خداوند «وامرهم شوری بینهم» را از صفات اجتماع مسلمانان ذکر می کند، زیرا که شوری در بنیادهای زندگی مسلمین، حضور دارد و فراتر از آن است که صرفاً برای نظام سیاسی کاربرد داشته باشد، بلکه شوری در طبع بشری حضور دارد و از طبیعت انسانی به دولت تسری می یابد» (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۱۶۰).

مشورت با دیگران به معنی گذر از استبداد، پذیرش رأی و نظارت دیگران و حرکت به سوی عدالت و عمل بر اساس عقل جمعی است. در دوران جدید، مظهر این امر در رأی گیری ها و همه پرسی ها است. طلب نظر دیگران، سهیم سازی آنان در تصمیمات است. مشورت، بستر نظارت آزادانه قدرت را فراهم می کند. محمدباقر صدر می گوید:

«خداوند بر پیامبرش واجب کرد، با آنکه رهبری او، مصون از هرگونه خطا و



اشتباه است، با جامعه و امتش به مشورت بپردازد. تا مسئولیت آن‌ها را در انجام خلافت الهی به آن‌ها بفهماند و آنان را در این رسالت آمادگی بخشد» (صدر، ۱۳۵۹، ص ۳۸).

مشورت، بدون نظارت و دقت در برنامه‌ها و شرایط جامعه ممکن نیست. با راینزی، بستر اظهارنظر دیگران، آزادی، نظارت و رشد فراهم می‌گردد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرُّشْدِ» کسی با دیگری مشورت نکرد، مگر آنکه به راه رشد و هدایت راهبری شد» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۸۴).

در همین گفتمان است که مقام معظم رهبری علیه السلام معتقد است که: «پیامبر گرامی اسلام به فرمان الهی «و شاورهم فی الامر» در مهمات حکومتی اسلام، مشورت می‌فرمودند و حتی در صورت غلبه رأی جمع بر نظر مبارک ایشان، در مواردی به نظر اصحاب عمل می‌کردند، شاید بتوان گفت که این امر یکی از رموز پیشرفت سریع و بی‌سابقه مسلمین در آغاز تاریخ اسلام بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۲۵).

جمع‌بندی و برخی نتایج

یکی از مباحث مهم در دولت اسلامی، نظارت بر روند اعمال قدرت، رفتار و گفتار کارگزاران است. سؤال اصلی این نوشته بر گرد همین مسئله سامان یافت و پاسخ ارائه شده حکایت از آن دارد که آموزه‌های متعدد برآمده از نصوص اسلامی و عقل، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، دلالت بر نظارت دارد و بر همه ارکان دولت باید نظارت، حساب‌کشی و ارزیابی حاکم باشد. این دغدغه در نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود داشته است و نظارت بر رهبر را مفروض گرفته بودند؛ بر طبق اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی، هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۱۰۸ است. آنچه برخی حقوق‌دانان و نویسندگان قانون از این اصل برداشت کرده‌اند آن



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۳۱

است که بررسی بود یا نبود شرایط رهبری توسط مجلس خبرگان مستلزم رصد و نظارت همیشگی آن است. ابراهیم امینی اشاره دارد که:

«در اصل يك صدویازدهم به خبرگان اجازه داده است که در مواقع ضروری رهبر را عزل کند و این درست نیست که ما بگوییم خبرگان هیچ اختیاری ندارد. واقعاً می شود که خبرگان اصلاً نظارت نداشته باشند و يك دفعه همین طوری بخوانند عزل کنند؟» (امینی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶۴).

جوادی آملی بر این باور است که:

«از اصل صدویازده استفاده می شود که مراحل تشخیص اولی یا مرحله بقای رهبر بر شرایط، با بررسی و پژوهش کامل، عملی می شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۵).

طبعاً این امر به بازرسی و نظارت کامل بر فرایند امور نیاز دارد. بخشی دیگر از نظارت در نظام جمهوری اسلامی توسط مجلس شورای اسلامی انجام می شود. آیت الله خامنه ای علیه السلام، نقش نهادهای نظارتی مانند مجلس را خیلی مهم می داند و بر این باور است که:

«واقعاً نقش نظارتی مجلس یک نقش اساسی و حیاتی است و هیچ نبایستی به این نقش نظارتی بی توجهی بشود» (خامنه ای، ۱۳۹۹/۴/۲۲).

با توجه به آنچه ذکر شد، در اندیشه سیاسی اسلام، نظارت بر دولت اسلامی امری قطعی و بایسته است. وقتی به تمهیداتی همچون حقوق متقابل مردم و دولت، ضمانت دولت در برابر عملکردش، حق پاسخ جویی شهروندان و مسئولیت دولت در برابر خداوند و مردم می نگریم، این امر روشنی بیشتری به خود می گیرد. از دیگر سو عناصر بستر ساز نظارت مانند عدالت، علم و عمل بر اساس شریعت و سازکارهای بیرونی نظارت مانند قانون گرایی، مسئولیت همگانی، نظارت عادلانه همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، نقد و نصیحت و مشورت و رایزنی نقشی عمده در این باره بازی می کنند و حرکت جامعه به سوی عدالت را تضمین می کند.



منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور (۱۹۸۸م)، لسان العرب، بیروت: دارالجيل.
۴. امینی، ابراهیم (بی تا)، مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، ولایت فقیه: ولایت عدالت و فقهات، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۹/۴/۲۲).
۷.، بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، (۱۳۷۹/۱۲/۹).
۸.، بیانات در جمع مردم کرمانشاه، (۱۳۹۰/۷/۲۴).
۹.، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، (۱۳۹۳/۹/۶).
۱۰.، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، (۱۳۸۶/۱۲/۲۲).
۱۱.، بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، (۱۳۸۴/۴/۷).
۱۲.، بیانات در دیدار مسئولان شوراهای اسلامی، (۱۳۷۸/۳/۴).
۱۳.، پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی، (۱۳۷۸/۳/۲۵).
۱۴. (۱۳۹۷ش)، تفسیر سوره براءت، تهران، مؤسسه انقلاب اسلامی.
۱۵.، خطبه‌های نماز جمعه تهران، (۱۳۶۲/۵/۱۴).
۱۶.، در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، (۱۳۸۲/۹/۲۶).
۱۷.، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی، (۱۴۰۰/۳/۱۴).
۱۸. موسوی خمینی (امام خمینی)، سیدروح الله (۱۳۷۲ش)، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۹. دلاوری، رضا، نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن، مجله علوم سیاسی، ش ۱۹.
۲۰. الراغب الاصفهانی (۱۳۷۳ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه.



□ سازکارهای نظارت عدالت محور بر دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای □

۳۳

۲۱. سید قطب (۱۴۰۸ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۲۲. صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۹)، خلافت انسان و گواهی پیامبران، قم: بینا.
۲۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، (سیدهاشم رسولی محلاتی: محقق)، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.
۲۵. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳ش)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان.
۲۶. کاشانی، ملامحسن فیض (۱۴۱۲ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، (علی اکبر غفاری: مصحح)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۲ش)، طبایع الاستبداد، (عبدالحسین قاجار: مترجم؛ محمد جواد صاحبی: مصحح)، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. متقی هندی، ملاعلی (۱۹۷۹م)، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۲ق)، بحار الانوار، تهران: المكتبة الاسلامیه.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، یادداشت های استاد مطهری، تهران: صدرا.
۳۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰ش)، امام علی علیه السلام و حقوق متقابل مردم و حکومت در دانش نامه امام علی علیه السلام.
۳۳. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث،

34. Dalberg Acton, John Emerich Edward: "Essays on Freedom and Power" Boston: Beacon Press, 1949,

35. The New Dictionary of Cultural Literacy, Third Edition. 2002